



تورر معاون سیاسی دفتر حماس

براساس گزارش رسانه‌ها بر اثر حمله پهبادی اسرائیل به ضاحیه در جنوب بیروت، صالح العاروری، معاون سیاسی دفتر حماس و یکی از بنیان‌گذاران گردان‌های قسام به شهادت رسید. به گزارش خبرگزاری ملی لبنان در این حمله تروریستی ۴ تن شهید و ۱۱ نفر نیز زخمی شدند. خبرگزاری مهر نوشت، العاروری از شخصیت‌های مشهور گردان‌های قسام بود که پس از چندین سال تجربه‌زندانی از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۱ در تبادل مشهور شالیت همراه با بسیاری از دیگر رهبران فلسطینی، مانند یحیی سنوار از زندان‌های رژیم صهیونیستی آزاد شد. حمله پهبادی اسرائیل به بیروت، نخستین حمله به عمق خاک لبنان از سال ۲۰۰۶ تاکنون بود. جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) با انتشار بیانیه‌ای، شهادت صالح العاروری در جریان حمله پهبادی اسرائیل به جنوب لبنان را تأیید و وی را مهندس طوفان الاقصی توصیف کرد.



ادعای ردپیشنهاد حماس به اسرائیل

وبگاه آمریکایی آکسیوس به نقل از مقامات اسرائیلی و یک منبع آگاه از پیشنهاد ارائه‌شده از سوی حماس، گزارش داد که توافق جدید پیشنهادی شامل سه مرحله است و هر مرحله شامل آتش‌بس بیش از یک‌ماهه در ازای آزادی اسیران اسرائیلی است اما اسرائیل این پیشنهاد را رد کرده است. این رسانه به نقل از یک مقام اسرائیلی افزود: اگرچه اسرائیل این پیشنهاد را رد کرد، اما اقدام حماس نشان‌دهنده تمایل آن برای شرکت در مذاکرات برای انتقاد یک توافق جدید به منظور آزادی گروهان‌ها (اسیران اسرائیلی) با وجود ادامه درگیری‌ها در نوار غزه است. یک مقام اسرائیلی گفت: این پیشنهاد همچنین شامل آغاز خروج نیروهای اسرائیلی از نوار غزه همزمان با اجرای مرحله اول توافق است که شامل آزادی حدود ۴۰ گروهان (اسیر) می‌شود و همچنین احتمال می‌رود که برخی از اسیران فلسطینی نیز آزاد شوند. به گفته این مقام اسرائیلی، در این پیشنهاد، پایان جنگ پس از اجرای مرحله نهایی توافق که شامل آزادی سربازان اسرائیلی بازداشت‌شده در غزه می‌شود، تصریح شده است. از سوی دیگر، مقام اسرائیلی بیان کرد: شورای جنگ اسرائیل پیشنهاد حماس را مورد بحث قرار داده و روز دوشنبه به میانجیگران مصری و قطری غیرقابل قبول بودن این پیشنهاد را اطلاع داده و از آنها خواسته‌است که پیشنهاد قابل قبول‌تری ارائه دهند. حماس پیش از این اعلام کرده بود، تاپس از پایان جنگ در نوار غزه، هیچ‌گونه معامله تبادل اسرا یا اشغالگران را مورد مذاکره قرار نخواهد داد.



حملات به اوکراین افزایش می‌یابد

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه با اشاره به حامیان غربی اوکراین به عنوان «دشمنان واقعی» گفت: آنهایی که دبروز می‌خواستند روسیه را به‌طور راهبردی شکست دهند، اکنون به دنبال واژگانی هستند تا سریعاً به این درگیری خاتمه دهند. وی تأکید کرد: ما هم می‌خواهیم به این درگیری هر چه سریع‌تر خاتمه دهیم اما فقط به‌روش خودمان. ما هیچ تمایلی نداریم که تا ابد جنگیم اما از طرفی هم مواضع خود را رها نخواهیم کرد. ولادیمیر پوتین تصریح کرد: روسیه نمی‌خواهد اقدامات اوکراین را به‌طور مشابهی تلافی کند. در عوض، روسیه به هدف قرار دادن دارایی‌ها و زیرساخت‌های نظامی اوکراین ادامه خواهد داد و احتمالاً تعداد چنین حملاتی افزایش خواهد یافت. اقدامات تروریستی مقامات اوکراینی بی‌پاسخ خواهد ماند.

مختلف علیه اسرائیل، این موفقیت به‌عنوان احیای غرور از دست‌رفته احساس شده است، به‌عنوان بازیابی احساس قدرت بالقوه.

اینکه در کشورهای دیگر، به اندازه اردن موضع‌گیری علنی نبوده است، دلایل متنوعی دارد، اما در کشورهای حاشیه خلیج [فارس]، ساکنان آموخته‌اند، گاهی به طریقی دردناک، که درباره این مسئله ساکت باشند. داستان‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی پخش می‌شوند، از فضای خفقان در بسیاری از کشورها روایت می‌کنند. در میانه یک بازی فوتبال در عربستان سعودی یک بازداشت اتفاق افتاد، چون یک کودک ۴ ساله پرچم فلسطین پوشیده بود. بعد از ۲۴ ساعت در بازداشت، پدرش تعهدی امضا کرد که هرگز اشتباهش را تکرار نکند. کودکی ۶ ساله در دوی از مدرسه به خانه فرستاده شد، چون تی‌شرتی بر تن داشت که همسنگی با فلسطینیان را ابراز می‌کرد. اما حتی در کشورهایی در حاشیه خلیج [فارس] که کنترل محکم‌تری هم دارند، بایکوت‌ها دارند شکل می‌گیرند، البته به شکل اینکه مشتری «جایگزین‌ها» شوند، به جای اینکه صراحتاً خواستار پرهیز از شرکت‌های غربی باشند. شبکه‌های اجتماعی علناً پر از احساسات ضداسرائیلی است که حامیان می‌توانند سرکوب‌شان کنند اما به‌وضوح انتخاب کرده‌اند که چنین نکنند و به‌صورت ضمنی اجازه حدی از آزادی بیان را بدهند. مطمئن نیستند چگونه باید واکنش نشان دهند و دارند سعی می‌کنند، چنان‌که دولت اردن سعی می‌کند، در روابط ژئوپلیتیک تعادل برقرار کند و همزمان متوجه احساسات مردم خیابان هم باشد، اما اعتراضات و نمودهای علنی حمایت از فلسطین را سرکوب کند.

باید دید این وضعیت در بلندمدت قابل دوام خواهد بود یا نه، اما واضح است که در مقابل رویکرد مشت آهنین‌شان، از سوی متحدان ظاهراً حامی دموکراسی که این دولت‌ها به‌دنبال جلب رضایت‌شان هستند، مقاومتی نخواهند دید. این هم حاکی از پیام کلیدی دیگری است که غرب با مواضع‌اش نسبت به اقدامات اسرائیل به دنیا فرستاده است: آن‌ها مجوز واکنشی خشونت‌آمیز را در تخطی از هنجارهای بین‌المللی داده‌اند. این یعنی حفظ پیشرفت‌هایی که در عرصه قوانین بین‌المللی با مبارزاتی سخت و بعد از درگیری‌های بسیار خشن دیگر حاصل شده‌اند، باز هم سخت‌تر خواهد شد.

در نتیجه این وضعیت، برای کشورهای منطقه، شکاف بین مردم و رهبران در حال گسترش است و رهبران بسیار نسبت به مشکل بالقوه این وضعیت آگاه هستند. رهبران اردن به‌دنبال هماهنگی نزدیک‌تر با مردم کشور هستند؛ علیه خشونت در نوار غزه حرف می‌زنند، از امضای توافق گازی با اسرائیل خودداری می‌کنند و به سفیر اسرائیلی می‌گویند از سفرش به‌خانه برگردند. با این حال، این تلاش برقراری تعادل جواب نداده، نه برای تسکین خشم عمومی یا بلندکردن صدایش و نه برای حفظ روابط حسنه با اسرائیل. یائیر، فرزند بنیامین نتانیا، نخست‌وزیر اسرائیل، در شبکه‌های اجتماعی نوشته است: «اردن، فلسطین است.» این در اشاره به حس و حال برخی محفل‌های ساختار قدرت در این کشور است، درحالی‌که داخل اردن، اعتصاب‌ها ادامه دارند.

اردنی‌ها می‌دانند به کمکی که غرب می‌کند، نیاز دارند، لاقلاً به‌خاطر تعداد پناهنجویانی که دارند میزبانی‌شان را می‌کنند. این را هم می‌دانند که کشورشان حالا کشوری با اکثریت فلسطینی است. این مسئله به شکلی گسترده پذیرفته شده است که اکنون تنها هاشمی‌ها هستند که کشور را نگه داشته‌اند. این یعنی اینکه، این خانواده به اندازه کافی نسبت به موضع خودشان اعتمادبه‌نفس دارند که به مردم اجازه دهند، تظاهرات کنند، بایکوت کنند و اعتصاب کنند؛ اما نمی‌توانند خشم موجود را کنترل کنند و در نتیجه نمی‌توانند از حملات به اهداف خارجی جلوگیری کنند، شامل مردم خارجی. اگر دولت‌های غربی می‌خواهند اردن متحدی باثبات باشد، نیاز دارند دیگر این تهدیدات را جدی بگیرند و نقش خودشان را در خشم و ترسی که در سراسر کشور احساس می‌شود بفهمند.

هرچه این جنگ بیشتر ادامه یابد، با احساس ناخوشایند رویه‌رشد در میان متحدان سابقاً محکم اسرائیل و درخواست‌های فزاینده برای خودداری، واشنگتن مسئولیت بیشتری برای وضعیتی که در آینده ایجاد خواهد شد دارد. آمریکا به سرعت دارد تبدیل به صدایی تنها در حمایت بی‌قیدوشرطش از اسرائیل می‌شود و در نتیجه برای به دوش کشیدن بار اقدامات اسرائیل تنها خواهد ماند، شاید حتی بخشی از مسئولیت هر جرمی را که واقع شده باشد، خواهد داشت. قطعاً بسیاری از آن‌هایی که دارند در اردن اعتصاب، بایکوت یا اعتراض می‌کنند، تقصیر را به گردن آمریکا می‌اندازند و این شهرت و مسئولیت را به این آسانی نمی‌شود از بین برد.

از حملات انفرادی تا تقویت رهبران خشن در حال آینده، این درگیری می‌تواند پیامدهایی داشته باشد، بسیار فراتر از نوار باریک سرزمینی که محل شروعش بود و دو بازیگر اصلی که در مرکز خشونت هستند.

NEWS/ANALYSIS

این واکنش صرفاً یک واکنش احساسی نبود: «از همه پژوهش‌هایمان این را می‌دانیم که عدالت و احساس عدالت، پیش‌شرانی کلیدی در رادیکال‌شدن است. خب این مسئله، سازمان‌هایی مثل ما را در چه وضعیتی قرار می‌دهد؟» آمریکا به‌عنوان منبع بزرگی از بی‌عدالتی در دنیا دیده می‌شود، بی‌عدالتی‌ای که در ترومای تبعیدشدگان و سوگ بسیاری از جمعیت اردن مستقیماً حس می‌شود و بنابراین، کارکردن روی پروژه‌هایی با بودجه آمریکا حسی شبیه گرفتن سکه‌های طلا از خود شیطان را دارد.

فکرکردن درباره اینکه این اوضاع در آینده به چه سمتی می‌رود، تأمل برانگیز است: «کاری که غرب دارد می‌کند، علیه همه منافع بلندمدتش است.» وقتی در امان با عامر السبیله، پژوهشگری دیگر در این باره صحبت می‌کردم، او هم همین را تکرار می‌کرد: «آنچه شاید ببینیم، گسترش حملات از سمت افرادی منفرد و بدون گروه خواهد بود، در همه جای دنیا. بعضی سیاست‌ها، از رادیکال‌ها، رادیکال‌تر عمل می‌کنند و این رویه، دیگران را هم به سمت رادیکال‌شدن می‌برد.» به‌طور خلاصه استدلال او این است: «این فرایندی برای ساخت خط تولید رادیکال‌هاست.» این برای همه مشخص است. وقتی از دوستی در وزارت خارجه بریتانیا پرسیدم که سفر به اردن امن است یا نه، همین را دیدم. او پاسخ داد که تهدید حملات انفرادی بیشتر شده است اما برای لندن و دیگر شهرها در جهان هم همین است. این تهدید همین حالا هم دارد به واقعیت تبدیل می‌شود: هشدارهای امنیتی به بالاترین سطح رسیده‌اند؛ در فرانسه، آمریکا و جاهای دیگر حمله واقع شده است و اخیراً هم گروهی که ادعا می‌شود مربوط به حماس است، بازداشت شده که متهم به برنامه‌ریزی برای حمله به اهداف یهودی در اروپاست.

این رویه، رهبران اردن را در گرفتاری غیرقابل عبوری قرار می‌دهد. اردن در مقابل دریافت کمک‌های قابل توجه نظامی و توسعه‌ای، مدت‌ها برای جامعه جهانی شریک صلح بوده است اما درحالی‌که همه حامیان مالی عمده کشور از حمایت از اسرائیل می‌گویند، مردم در حمایت از فلسطینیان زیر بمباران، متحد هستند. این اعتصابات تهدیدات بیشتری بر ثبات مشهور اردن هستند. در فضایی که طبقات متوسط و بالا، پیشران اقتصاد اردن، همه در حال مشارکت هستند و به اقتصاد اردن که از پیش هم ضعیف بوده، آسیب می‌زنند

به نظر می‌رسد، مقامات متوجه این واقعیت نیستند. عربیات می‌گویند: «من با نماینده‌ای - بگذار بگویم از یک کشور اروپایی - بعد از حمله ۷ اکتبر و واکنش اسرائیل دیدار کردم. دغدغه او برای اردن چه بود؟ محتوای ضدیهودی.» این مسئله، در سایه تعداد کسانی که دارند جان خود را از دست می‌دهند و احساساتی که در خیابان‌های این کشور است، خنده‌دار به نظر می‌رسد و قطعاً هم یک کشور غربی، با تصویری که از جانبداری‌شان به سمت اسرائیل وجود دارد، کاری درباره‌اش نمی‌تواند بکند.

در واقع، آنچه کار بیشتری در جهت ازبین‌بردن ضدیت با یهودیان در دنیای عربی کرده است، تصویر راهپیمایی‌ها در سراسر جهان با خواسته آتش‌بس است و نمود بارز گروه‌های یهودی که در آن‌ها شرکت می‌کنند. گروه‌های واتس‌آپی پر از تصاویر یهودیان ارتدوکس در اورشلیم بودند که برای آتش‌بس راهپیمایی می‌کردند و نیروهای نظامی اسرائیل آن‌ها را ضرب‌وشتم می‌کردند، تصاویری که با قدرت، تمایز بین دسته‌بندی‌های «یهودی» و «اسرائیلی» را تقویت می‌کنند. نامه‌های منتشرشده توسط گروه‌های یهودی، هم سکولار و هم مذهبی، تصاویر بازداشت کسانی که تی‌شرت «یهودیان حامی صلح» بر تن دارند، راهپیمایی‌های ارتدوکس‌ها در لندن و در نیویورک، همه این‌ها در تقویت این تمایز نقش بیشتری ایفا می‌کنند تا هر مدیریت محتوایی که در شبکه‌های اجتماعی انجام شود یا هر برنامه آموزشی با بودجه غربی.

خشم در اردن ملموس است، اما احساس دیگری هم هست: ترس. عربیات می‌گویند: این ادبیات که «حماس، داعش است»، مقایسه‌هایی که می‌گویند «این یازده سپتامبر اسرائیل است»، ادبیاتی که می‌گوید «یا با مایید یا علیه ما»، این‌ها همه روایت‌هایی از نوع «جنگ علیه تروریسم» هستند که برای اعراب ترسان‌انگاند. ما می‌دانیم معنی این‌ها چیست و همه این‌ها دارد درست در همسایگی اردن اتفاق می‌افتد. اوضاع برای منطقه به نظر خوب نمی‌رسد. بسیاری از لبنانی‌ها دارند برای تکرار بمباران ۲۰۰۶ اسرائیل آماده می‌شوند که به‌ظاهر حزب‌الله را هدف گرفت اما بخش بزرگی از زیرساخت‌های کشور را هم نابود کرد و غیرنظامیان بسیاری را هم کشت؛ اما برای اردن، اینکه نقش‌اش در سیاست‌های منطقه روزبه‌روز حاشیه‌ای‌تر می‌شود و توافقات ابراهیمی مدام از آن کم می‌کند هم دلیلی برای ترس است. اساساً این کشور دیگر اهمیتی را که زمانی برای غرب داشت، ندارد. در این فضا، مردم عیش امنیت دارند. وقتی همسایگان‌ات از تو قوی‌ترند و وقتی متحدان‌ات دارند از کشورت به‌عنوان مجرای برای انتقال تسلیحات به آن‌ها استفاده می‌کنند که قوی‌ترشان هم کنند و به آنها اجازه دهند فقط چندصد مایلی آن‌طرف‌تر خانواده و دوستانش را بکشند، به سمت راه‌حل‌هایی افراطی‌تر و افراطی‌تر هل داده می‌شوی. این در واقع یکی از دلایل ستایش اقدامات حمایت از سوی بسیاری در اردن بود: سرور حمله‌ای موفق بود به دشمنی که قادر مطلق تصور می‌شد، در نوع خود یادآور یازده سپتامبر و نگاه آن‌هایی در سراسر دنیا که احساس می‌کردند آمریکا حالا دارد مزه کارهایی را که خودش با بقیه می‌کرده است، می‌چشد. بعد از شکست‌های مکرر ارتش‌های عرب در جنگ‌های

درخواست آتش‌بس فوری کرده‌اند و در نقشی قرار گرفتند که مردم از رهبران‌شان می‌خواستند. ملکه با سی‌ان‌ان مصاحبه‌ای کرد و خواستار این شد که دنیا این کشتار را پایان دهد؛ موضعی که بلافاصله در غرب انتقادها را به خود جلب کرد اما در کشور خودش با تأیید شدید مواجه شد.

پادشاه هم علیه خشونت حرف زده است و ایمن صفدی، وزیر خارجه هم در دیدارها و مصاحبه‌ها در سراسر جهان، موضع صریحی داشته است. در تازه‌ترین نمونه‌اش، در دوحه می‌گفت، اقدامات اسرائیل مطابق تعریف قانونی نسل‌کشی هستند؛ اما هیچ‌کدام از این‌ها برای مردم کشور کافی نبوده است؛ مردمی که به شکل جمعی باعث شده‌اند چرخ‌های توسعه اردن از حرکت بمانند. در مرکزیت موضوع هم مواضع به‌اصطلاح متحدان کشورشان در غرب است.

ایاد البغدادی، متفکر فلسطینی در ایکس نوشت: «اتحاد یعنی منافع و فواید متقابل. وقتی از کسی می‌خواهید که به‌خاطر شما گردنش را بزند، اتحاد به پایان رسیده است.» ایالات متحده میلیون‌ها دلار خرج مقابله با افراط‌گرایی خشن در خاورمیانه کرده است، با این حال اقدامات فعلی‌اش در جهت عکس همه آن نفوذ و علیه منافع خودش عمل می‌کند. حتی اگر اتفاقات فعلی منجر نشوند که مردم عادی به سمت دیدگاه‌های افراطی بروند، در حال تقویت ادبیات نالیبرال و اسلام‌گرایانه‌ای هستند که اصول سیاسی غربی را هدف می‌گیرند.

سال‌ها پیش، من در برنامه‌ای با هدف کاهش شیوع محتوای اسلام‌گرایانه افراطی در اردن، با امام جماعتی در این کشور مصاحبه کردم. به او گفتم، بودجه این برنامه از سوی دولت آمریکا می‌آید و او از من پرسید: «برای توقف نفرت علیه عرب‌ها در کشورشان چه تلاشی دارند می‌کنند؟» رئیس‌جمهور، ترامپ، دست‌نورس برای «ممنوعیت مسلمانان» را اعلام کرده بود که بسیار پرسرصد و جنجالی بود و من هیچ پاسخی برای او نداشتم. او ادامه داد: «از حقوق بشر حرف می‌زنند. [این حقوق] فقط برای بعضی‌هاست؛ اما ما عادت کرده‌ایم، چون در دوران استعمار هم برای مردم متفاوت استانداردهای متفاوتی در کار بود.» اعتماد به غرب همیشه در سطح پایین بوده است و این اختلاف در نگرش به اقدامات اسرائیل، نه‌تنها بدترش می‌کند، بلکه سوختی هم برای نیروهای ضدغربی مهیا می‌کند. روسیه همین حالا هم این وضعیت را به کار گرفته است: در سراسر امان، بیلوردهایی هستند که شبکه «راشاتودی» را تبلیغ می‌کنند، یک کانال تلویزیونی که کنترل و بودجه‌اش با دولت روسیه است. یک تحلیلگر ماجرا را این‌طور تبیین می‌کند: «این یک جنگ رسانه‌ای است و آرتی [راشا تودی] دارد می‌برد.» پوتین علیه مداخلات ایالات متحده موضع گرفته است. این پیامی است که قطعاً جایگاه او را تقویت می‌کند. چنان‌که البغدادی می‌نویسد: «این یعنی اینکه کشورها دیگر به ایالات متحده اعتماد ندارند که منافع‌شان را در اولویت‌هایش قرار دهد. ضمناً یعنی می‌توانند به دنبال متحدی بگردند که برای منافع‌شان احترام قائل باشد.» سخنرانی‌های رهبران غربی که سوگووار مرگ اسرائیلی‌ها در ۷ اکتبر هستند اما آن‌هایی را که در بمباران غزه کشته می‌شوند، به‌عنوان «تلفات جانبی» نادیده می‌گیرند، نه‌تنها اردنی‌ها را خشمگین کرده است بلکه باعث تأملی عمیق درباره نقش غرب در کشورشان شده است.

مهند العربیات، مدیرعامل و رئیس «نسل‌های صلح»، سازمان غیردولتی بین‌المللی است که وقت برپایی صلح با نقش‌آفرینی جوانان است. او به نیو لاینز می‌گوید: «حالا همه چیز را دارم زیر سوال می‌برم. من زندگی‌ام را در این کار گذاشته‌ام و فکر می‌کردم دارم دنیای بهتری برای فرزندم می‌سازم، اما حالا احساس می‌کنم آدم‌هایی که بودجه این کارها را می‌دهند، من را تنها به‌عنوان یک عدد می‌بینند و فرزندان را تنها به‌عنوان تلفات جانبی. هیچ‌کدام‌مان آدم حساب نمی‌شویم. چطور می‌توانم آدم ده‌م؟»

این سازمان در امان مستقر است و اندازه بزرگش آن را به دنیای کوچکی در محیط خودش تبدیل می‌کند که بسیاری افراد با پس‌زمینه‌های فلسطینی را در خود دارد. عربیات این را ضروری می‌بیند که احساسات خیابان در محیط کار بازتاب یابد: «کارکنان هم احساسات دارند. با این مواضع درباره غزه چه احساسی درباره گرفتن کمک‌های مالی دارند؟ اگر بخواهم به دیدگاه سازمان وفادار باشم و همزمان تعادل سلامت مالی‌اش را نگه دارم، باید با احساساتی که جامعه‌مان درباره تهاجم در غزه دارد، هماهنگ باشم.» در این نمونه، او موضوع را این‌طور خلاصه می‌کند که «درستی یعنی شفافیت اخلاقی. ما باید درستی را در خودمان حفظ کنیم.» بنابراین او دیداری با یک سفارت حامی مالی را لغو کرد و با نور ساختمان را به رنگ‌های فلسطین درآورد اما این جست‌وجو در روح خود، اینجا پایان نیافته است، نه برای عربیات و نه برای بقیه مردم اردن.